احكام و تعاليم فردى - اطاعت از تشکيلات امريّه

حضرت بهاءالله



**اطاعت از تشکيلات امريّه**

**حضرت عبدالبهاء:**

1 - " آنچه مجلس شور قرار د رآن خصوص و خصوصات ديگر بدهند کلّ بايد بدون توقّف اطاعت نمايند "

(لوح شهيدبن شهيد ص ٥٨ گنجينه حدود و احکام)

2 - " آنچه رامحفل روحانی مصلحت بدانند اگر بمن تکليف کنند من مجری ميدارم ابداً توقف ننمايم "

(ص ٢٩ اصول نظم اداری بهائی)

3 - " برهر فردی واجب است هيچگونه اقدامی بدون مشورت محفل روحانی ننمايد و البته بايد قلباً و روحاً قرار محفل را مطيع و نسبت بآن منقاد باشند تا امور باحسن وجه مرتّب و منظّم گردد والا هر شخصی مستقلّاً و بر وفق قضاوت خويش عمل خواهد کرد و اميال شخصی خود را متابعت خواهد نمود و سبب ضُرّ امراللّه خواهد گشت ".

(ص ٥٥ نظامات بهائی - ترجمه مصوّب)

**حضرت ولی امر الله:**

1 - " ياران بايد اعضای محفل خويش را در تمام امور نمايندگان خويش دانند و امنای الهی محسوب نمايند هر حکمی را محفل صادر نمايند بدل و جان اجراء نمايند " (ص ٤٤ خصائل اهل بهاء و فرائض اصحاب شور)

2 - " بايد افراد بهائيان در هر کشور و اقليمی بتمام قوی و در کمال صميميت قيام بر نصرت نمايندگان محلّی و مرکزی خويش نمايند و اطاعت و تمکين قرارهای صادره از آن مراجع عاليه رسميّه‌بهائی نمايند و آراء و افکار و تمايلات شخصيّه خويش را در ظلّ اراده و تصميمات هيئت مُمَثِّلين خويش در آورند . بمساعدت و خدمت و معاضدت نمايندگان منتخبه خويش برخيزند و مَنْ دون ترديد مؤيد و نافذ و ناصر و ناشر تشريعات مُمَثّلين خود گردند و به هيئت امنای امرالهی رسميّت دهند و شخصيات را در جميع موارد بلا استثنا تابع هيئت دانند ". (ص ١٢٤ ج ٢ توقيعات مبارکه ٣٩-١٩٢٧)

3 - " عموم ياران چه در داخل و چه در خارج محفل بايد محفل روحانی را نماينده خود شمرند و تقويت نمايند و ترويج اجرائاتش را کنند " (ص ٥١ منتخبات توقيعات مبارکه)

4 - " احبّا بايد اعتماد و ثِقه تامّ باعضای محترمه‌محفل روحانی خويش داشته باشند و بتعاون و تعاضد قيام کنند "

(ص ٦٠ منتخبات توقيعات)

5 - " محافل روحانيّه اليوم اُسّ اساس است و محور و مرکز وصايای مقدّسه مبارکه ... لهذا احبّای الهی و اماءالرحمن هر قدر

اساس اين محافل را محکم تر نمايند و اسباب پيشرفت و تقدّمش را بهتر فراهم آرند وصايای مقدّسه سريع تر اجراء شود و نوايای مبارکه زودتر و کامل تر تحقّق يابد و جلوه نمايد ". (ص ١٤ اصول نظم اداری)

6 - " البتّه هر قراری را که محفل مقدّس روحانی پس از تحقيقات لازمه بدهد ، خير افراد در اين است که موافقت فرمايند تا مشمول الطاف خفيّه الهيّه و تاييدات رحمانيّه گردند و ابواب برکات آسمانی بر وجوهشان مفتوح شود "

(ص ١٤ج ٣توقيعات مبارکه ٤٨-١٩٢٢)

7 - " مقتضی ميدانم خاطر احبا را بلزوم قبول بلا شرط هر نوع خدمت و و ظيفه ای که نمايندگان يامحفل ملّی بآنان رجوع نمايند متذکّر سازم .هر گونه امتناع از قبول خدمات مرجوعه را مذموم ميدانم. شوقی ربّانی ". (ص ١٤ نظامات بهائی)

8 - " اينکه نوشته بوديد در بين بعضی از ياران اين عقيده شايع است که ببرخی از مومنين مقامات روحانی اعطاء شده است که آنانرا از اطاعت مقرّرات هيئت اداری بهائی معاف ميدارد، حضرت وليّ امراللّه دستور فرمودند اين نکته تصريح شود که بهيچ يک از ياران مقامی اعطاء نشده که او را مافوق يا خارج از حيطه حاکميّت محفل روحانی قرار دهد و بطوريکه بخوبی تشخيص داده ايد اين روش کاملاًمخالف روح و منظور نظم اداری امر الهی است " (استخراج از توقيع مبارک) .

(ص ١٦- ١٥ نظامات بهائی)

9 - " با موضوعی که بدان اشاره نموده بوديد اين عبد کاملا موافق بوده و قطعيّاًو بدون هيچ قيد و ملاحظه اين اصل را تأييد مينمايم که اشخاص را نبايد بمنزله مرکز و يا محوری قرار داد بطوريکه جامعه طائف حول آنها باشد بلکه آنان بايد در جميع احوال مطيع محافل روحانيّه باشند ولو آنکه لياقت و شايستگی آنان مُحرز باشد .هر قدر آنجناب و ساير همکاران راجع باين اصل مهمّ و اساسی که مربوط باداره امور امری است تصريح و تأکيد نمايند شايسته و رواست ". (ص ٨٤ نظامت بهائی)

در حاشيه توقيعی خطاب بمحفل روحانی اسلامبول مرقوم ميفرمايند :

10 - " يا احباّء الرّحمن وَ اُمَناءَهُ آنچه از قول اين عبد مرقوم گشته صحيح و تمام است و مطابق نص صريح قاطع شريعة‌الله اشخاص و افراد در ظلّ مبادی اند و کلّ مومنين در تحت يک حُکم و قانون سالک و متحرّک . تجاوز از نظم الهی جائز نه و انحراف از سبيل مستقيم الهی علّت خسران و وبال و ذلّت نامتناهی . حَفَظَکُم اللّهُ مِنْ کلِّ بَلاءٍ وَ دَاءٍ و مَکْرُوهٍ . بنده آستانش شوقی ". (ص ٧٥ اصول نظم اداری بهائی)

و خطاب بمحفل روحانی ملّی بهائيان ايران ميفرمايند:

11 - " نفوسی که اطاعت اوامر محفل را ننمايند و با وجود تذکّرات و انذارات متتابعه تمرّد و مخالفت نمايند از حقّ انتخاب در جامعه و عضويّت محافل روحانيّه هر دو محروم ". (ص ٥٨ گنجينه حدود و احکام)